

سیمای بیستون و تاق بستان در آثار جهانگردان



© غلامرضا سالمیان

کتیبه‌ای به زبان بابلی و خط میخی بابلی و کتیبه‌ای دیگر به زبان و خط عیلامی دارد در این کتیبه‌ها اطلاعاتی دربارهٔ شرح فتوحات داریوش و نواحی بیست و سه گانه‌ای که بر آنها حکومت می‌کرد، واقعهٔ کشته شدن بردیا به دست کمبوجیه و اطلاعات دیگر به دست می‌آید.^۱

کشف رموز خط میخی کتیبهٔ بیستون توسط سرهنری راولینسون مستشرق و مأمور انگلیسی صورت گرفت. وی یک بار در سال ۱۸۳۱ م. و بار دیگر در سال ۱۸۴۳ م. به نسخه‌برداری از کتیبهٔ بیستون پرداخت و موفق به خواندن الفبای میخی هخامنشی شد. ژ. اوپرت، خاورشناس فرانسوی آلمانی‌نژاد، توانست کار کشف رموز تمام الفبای خط میخی را به پایان برد و معنی برخی علائم را - که نامعلوم مانده بود - پیدا کند.^۲

۲- آثار مقدونی بیستون: در سال ۱۳۳۷ ش. در کنارهٔ کوه بیستون، مجسمهٔ مردی برهنه با مو و ریش مجعد در حالی که بر روی پوست شیری استراحت می‌کند، به دست آمد که مربوط به دورهٔ مقدونی بوده است. در پشت این مجسمه، کتیبه‌ای به زبان یونانی قدیم در هفت سطر و همچنین نقش درخت زیتونی که بر شاخه‌اش، تیردان و کمان‌دان آویخته‌اند، وجود دارد. در کتیبهٔ مربوط به این مجسمه، مطالبی مشتعل بر نام هرکول و نام سازندهٔ آن و علت ساختن مجسمه ذکر شده است. این مجسمه احتمالاً ۱۵۳ سال پیش از میلاد ساخته شده است.^۳

از دیگر آثار مقدونی بیستون، می‌توان از نقش معروف به «گودرز اشکانی» نام برد که قسمت فوقانی آن به خط یونانی نوشته شده است. به دلیل حجاری وقف‌نامهٔ «شیخ علی خان زنگنه»، وزیر شاه سلیمان صفوی در این مکان، قسمت زیادی از این اثر تاریخی از میان رفته است.^۴

۳- آثار اشکانی بیستون: یکی از این آثار، تخته سنگی است تقریباً به شکل هرم که در حدود ۱۵۰ متر از کوه بیستون و نقش گودرز دور افتاده است. این سنگ، منقش است به شکل مردی پارتی که در کنار آتشدانی

کرمانشاه به واسطهٔ قرار داشتن بر سر شاهراه ارتباطی ایران به بغداد و عتبات عالیات و نیز دارا بودن جاذبه‌های فراوان گردشگری، از دیرباز مورد توجه جغرافی‌دانان و جهانگردان بوده است. برخی از این جهانگردان، دیده‌ها و گاه شنیده‌های خود را به رشتهٔ تحریر درآورده و بدین‌گونه، اسناد بعضاً ارزشمندی برای آیندگان بر جای گذاشته‌اند. حتی گاه مطالبی عنوان کرده‌اند که به دور از حقیقت است؛ اما از خلال همین مطالب نیز می‌توان با ویژگی‌های آن افراد و حتی نوع نگرش فرهنگی حاکم بر جامعهٔ روزگار آنان آشنا شد.

در نوشتار حاضر که به منظور آشنایی با نگاه جهانگردان به آثار باستانی بیستون و تاق بستان و تطور تاریخی آن دیدگاه‌ها، نگاشته شده، ده سفرنامه در یک دورهٔ ده سده‌ای از قرن سوم هجری تا یک سدهٔ پیش مورد بررسی قرار گرفته است.

قبل از انعکاس دیدگاه و گزارش‌های سفرنامه‌نویسان، شناختی مختصر و ضروری از آثار باستانی و قسمت‌های تشکیل‌دهندهٔ آثار و اماکن مورد نظر ارائه خواهد شد:

الف. بیستون:

۱- آثار هخامنشیان: حجاری‌های بیستون مربوط به واقعهٔ بردیای دروغین و نه نفری است که در بدو سلطنت داریوش، شورش کردند و هر یک خود را پادشاه مملکتی خواندند. در این حجاری، داریوش ایستاده و اهورامزدا بالای سر او پال گشوده است. داریوش به نشانهٔ تقدیس اهورامزدا دست خود را بلند کرده و پای چپ را بر سینهٔ گنوماتای مغ - که بر پشت خوابیده و سلاح به دست دارد - گذارده است. پشت سر داریوش، دو تن از رجال درباری ایستاده‌اند و در برابر او، تصویر نه تن که سبب شورش‌های ایالات بودند، حک شده است؛ این نه تن همه دست به سینه و پشت سر یکدیگر ایستاده‌اند.

داریوش، کتیبه‌ای به زبان پارسی باستان و خط میخی هخامنشی،

پایه‌دار قرار دارد و دست راست وی به طرف آتشدان دراز گردیده است و ظاهراً می‌خواهد چیزی درون آتش بریزد.^۴

۴- آثار ساسانی بیستون: در محل دهکده سابق بیستون، جنب کاروانسرای شاه عباسی، بقایای ساختمانی نمودار است که فعلاً ۸۵ متر طول و ۸۰ متر عرض دارد و روزگاری دارای ۶۳ اتاق بوده است. این ساختمان را **پروفسور لوشای**، رئیس هیأت حفاری مشترک ایران و آلمان، در سال ۱۹۶۴ م. بازمانده کاخی از روزگار ساسانیان دانسته است.^۵

ب- تاق بستان:

۱- آثار ساسانی تاق بستان: قدیمی‌ترین حجاری این ناحیه، مجلس تاجگذاری «اردشیر دوم ساسانی» را نشان می‌دهد که طی آن اردشیر دوم در حالی که محبوسی در زیر پای وی قرار دارد، در وسط دیده می‌شود و در سمت راست او «موید موبدان» یا اورمزد و در سمت چپ وی، «زردشت» یا «میترا» (مهر) قرار دارند. دو تاق (غار) نیز در این ناحیه وجود دارد. تاق کوچک، در زمان «شاهپور سوم» حجاری شده و شامل دو نقش برجسته و دو کتیبه به خط پهلوی ساسانی است و به طوری که از کتیبه‌ها معلوم می‌شود، یکی از این دو نقش، شاهپور دوم و دیگری شاهپور سوم است.

کتیبه داریوش، بیستون، کرمانشاه

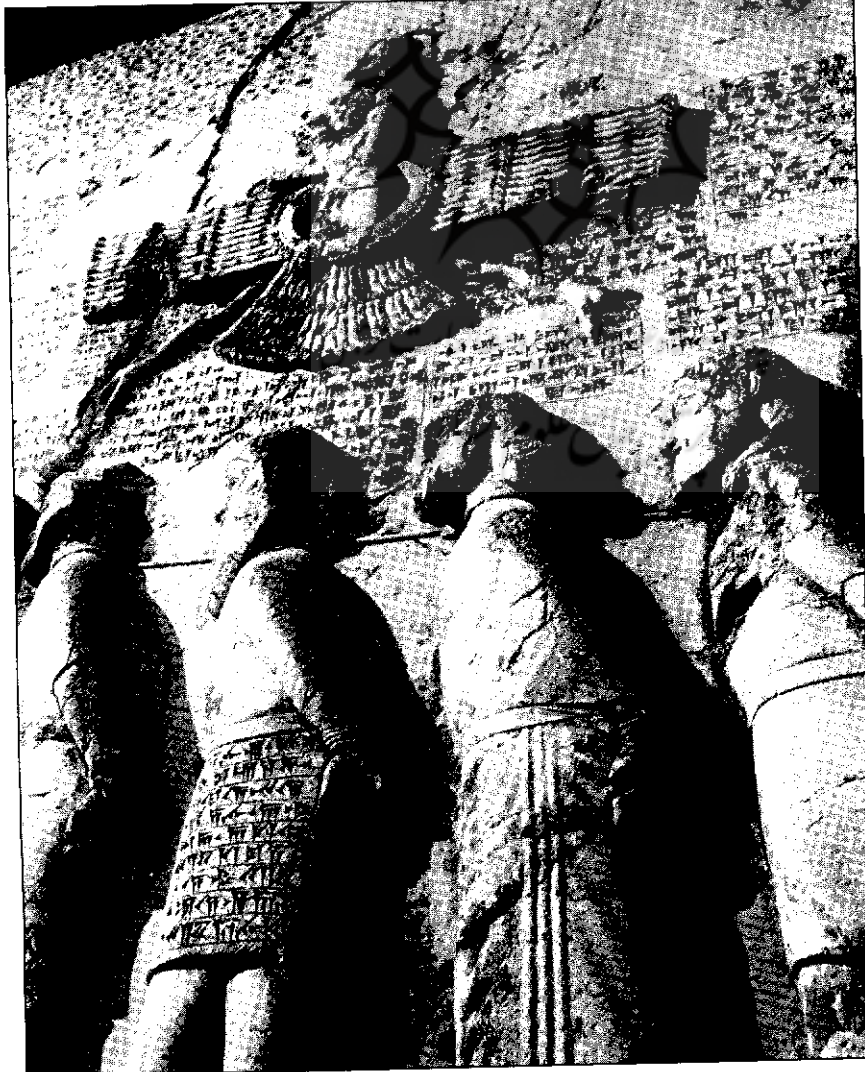
در دو مدخل تاق بزرگ - که در روزگار سلطنت «خسرو دوم» معروف به «پرویز» ایجاد شده - گلهایی زیبا حجاری شده است. دور تاق، طناب ضخیم پیچنداری از سنگ تراشیده شده، در بالای مدخل تاق‌هایی دیده می‌شود که با نوار زینت داده شده و در دو طرف آن، تصویر دو فرشته بالدار به سبک یونانی حجاری شده است. پایه‌های تاق در دو ستون قرار گرفته که نقوش بسیار ظریفی بر آنها رسم است و شکل درختی که شاخسارهای آن به ستون پیچیده است، به چشم می‌خورد. به عقیده هرتسفلد، این درخت نمونه‌ای از درخت زندگانی است. این تاق دارای سه دیوار است. دیوار ته تاق، خود دارای دو طبقه است. در طبقه بالا - که به شکل صفا‌ی بر دو ستون قرار گرفته - مجلس تاجگذاری خسرو پرویز ترسیم شده است: پادشاه در وسط ایستاده است و با دست راست، تاج را از شخصی که در طرف چپ وی قرار دارد و به عقیده پروفسور کریستین سن، اورمزد و به عقیده برخی دیگر، موید موبدان است، دریافت می‌کند. در سمت راست خسرو، زنی سبزه دست ایستاده که «آناهیتا» یا ناهید (و به قولی شیرین) معرفی شده است.

طبقه زیرین دیوار عقب تاق، خسرو پرویز را غرق در سلاح، سوار بر اسبی کوه پیکر (شیدیز) نشان می‌دهد. دیوار سمت راست، خسرو پرویز را قبل از شکار گوزن، در حال شکار و پس از پایان شکار به نمایش می‌گذارد و دیوار

سمت چپ خسرو پرویز را در حال شکار گراز و پس از پایان شکار نشان می‌دهد. در بالای این بخش از حجاری‌ها، میرزا جعفر سنگ تراش، در سال ۱۲۳۷ هـ. ق به دستور آغا غنی، خواجه‌باشی محمدعلی میرزای دولت‌شاه، سرحدار عراقین، صورت دولت‌شاه والی غرب و فرزندان وی را حجاری کرده است.^۶

۲- آثار قاجاریه تاق بستان: در تاق بستان قصری وجود داشته که به فرمان امامقلی میرزای عمادالدوله، حاکم کرمانشاه (متوفی ۱۲۹۲ ق) ساخته شده بود. ساخت بنای عمادیه، می‌بایست در اوایل دهه ۱۲۵۰ شمسی آغاز شده باشد؛ چرا که دکتر ویلز در سال ۱۲۵۴ ش. از ساختمان در حال ساخت آن دیدن کرده مدعی شده که ساخت آن ده سال بعد به اتمام رسید.^۷ هنری باینر، در توصیف این قصر چنین نگاشته است: «این ساختمان از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و قیافه قصری دژ مانند را دارد که

در مقاله حاضر، که به منظور آشنایی با نگاه جهانگردان به آثار باستانی بیستون و تاق بستان و تطور تاریخی آن دیدگاه‌ها نگاشته شده، ده سفرنامه در یک دوره ده سده‌ای از قرن سوم هجری تا یک سده پیش، مورد بررسی قرار گرفته است



چهار برج در چهار گوشه آن است. این کاخ دارای یک نارنجستان بزرگ، حمام‌ها، قسمت‌های متعددی برای زنان و حتی مسجد کوچکی است.»^{۱۱} بعدها این بنا تخریب شد و اکنون اثری از آن باقی نمانده است.

* * *

۱- ابن خردادبه: وی مورخ عرب ایرانی الاصل، متولد سال ۲۰۵ ق. (۱۹۹ ش) و متوفی سال ۲۷۷ یا ۳۰۰ ق (۲۶۴ یا ۲۹۱ ش) است. کتاب این خردادبه، المسالک و الممالک نام دارد. وی در بخشی از کتاب خود، درباره تاق بستان می‌نویسد: و صفة شبداز کمتر از دو فرسخ آنجا (قرمیسین)^{۱۲} در طرف دست چپ راه خراسان واقع است.»^{۱۳}

شبداز، نامی که در مسالک و ممالک ابن خردادبه برای تاق بستان آمده است. مغرب واژه ارسی «شبدیز» است. این واژه که نام اسب خسروپرویز بوده، از دو جزء شب و دیز (رنگ) تشکیل شده است و بر روی هم معنای شب‌رنگ می‌دهد.

۲- ابن حوقل: جهانگرد بغدادی که در سال ۳۳۱ ق. (۳۲۲ ش) از بغداد خارج شد و طی ۲۸ سال در بیشتر ممالک اسلامی به گردش پرداخت و مجموعه یادداشت‌های خود را در کتابی به نام صورة الارض تدوین نمود. وی در کتاب خود، هم از بیستون و هم از تاق بستان یاد کرده است:

الف - وصف بیستون: بیستون کوهی بزرگ است و قریه‌ای به نام ساسانان (?) دارد. در این کوه غاری است که در آن اسبی مصور به نام شبداز و بر روی آن کسری است و از بیستون تا قرمیسین هشت فرسخ است.^{۱۴}

بهستون کوهی استوار و بلند است و نمی‌توان به بالای آن رفت و راه

«شبداز» (نامی که در مسالک و ممالک

«ابن خردادبه» برای تاق بستان آمده است)،

مغرب واژه فارسی «شبدیز» است.

این واژه که نام اسب خسروپرویز بوده،

از دو جزء شب و دیز (رنگ) تشکیل شده است

و بر روی هم،

معنای «شب رنگ» می‌دهد

حاجیان از نیشابور به حلوان از زیر آن است و گاهی از بخشی از آن می‌گذرد و صفحه کوه از بالا به پایین صاف و هموار و برهنه است. و از ری تا حلوان چنین است، حتی چنان به نظر می‌آید که از قسمت پایین کوه به اندازه قامت چند تن کنده‌اند و برخی از مردم، شاید عمروبن جاحظ در کتاب البلدان خود ادعا کرده‌اند که یکی از پادشاهان ساسانی خواست که در اندرون کوه بازاری سازد تا نیرومندی و تسلط خود را نشان دهد.^{۱۵}

ب - وصف تاق بستان: بر پشت این کوه آنگاه که از عراق آیند، جایی است شبیه غار که چشمه آبی در آن جاری است و نقش اسبی به زیباترین شکلی که ممکن است بر دیوار آن است و مردم معتقدند که نقش اسب خسرو به نام شبداز است و نیز در آنجا نقش خسرو از سنگ و نقش زن او شیرین در سقف غار کنده شده است و کسی به من چنین گفت که وی بالاتر از غار مزبور به مسافتی دورتر نقش سنگی مکتبی با معلم و بچه‌ها دیده است و در دست معلم تسمه‌ای است که بدان قصد زدن بچه‌ها را دارد و همچنین آشپزخانه‌ای را مشاهده کرده است که در آن آشپزی ایستاده و دیگرها بر روی اجاق کنده شده و در دست آشپز، کفچه‌ای است و همه اینها از سنگ است.»^{۱۶}

ظاهراً منظور آن شخص از حجاری مکتب خانه، نقش معروف داریوش در بیستون است که نه نفر یاغی در مقابل وی به صف ایستاده‌اند و مراد وی از آشپزخانه، تصویر مرد پارتی در کنار آتش‌دانی پایه‌دار است که در حدود ۱۵۰ متری کوه بیستون بر تخته‌سنگی به شکل هرم، حجاری شده است.^{۱۷}

۳- مقدسی: جغرافی‌دان و سیاح بزرگ، متولد سال ۳۴۵ ق. (۳۳۵ ش) و متوفی ۳۷۵ یا ۳۸۱ ق (۳۶۴ یا ۳۷۰ ش) است. وی در کتاب خود، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بیستون و تاق بستان را چنین توصیف می‌کند:

الف - وصف بیستون: بیستون... [سراسرش] صاف و نارسیدنی است و در آن غاری هست که چشمه‌ای از آن روان است.^{۱۸}

ب - وصف تاق بستان: نزدیک بیستون، مجسمه‌ای است که گویند چارپای کسرا بوده است.^{۱۹}

همان‌طور که دیده می‌شود، وی نامی از تاق بستان نمی‌برد و تنها به توصیف آن بسنده می‌کند.

۴- زکریا بن محمد بن محمود قزوینی: جغرافی‌دان ایرانی، در سال ۶۸۲ ق (۶۶۲ ش) دیده از جهان فرو بست. وی در کتاب خود آثار البلاد و اخبار العباد از بیستون نام می‌برد؛ اما توصیفی که ارائه می‌دهد نه به سنگ نیشته‌های بیستون، که به حجاری‌های تاق بستان معروف است. وی می‌نویسد: «احمد بن همدانی می‌فرماید: در کمره بیستون ایوانی هست که از سنگ تراشیده‌اند و در وسطش تصویر کسری پرویز است که بر شبدیز سوار شده و بر دیوارهای ایوان صورت شیرین را می‌بینی که با چند تن از ندیمه‌های زیبا ایستاده و به نظاره می‌نگرند. گویی که استاد صورتگر که این تصویرها از اوست، پطرس پسر سمنار است. همان استاد سمناری که در حیره، کاخ خورنق را ساخت. گویند وقتی پطرس، پسر سمنار، شبدیز را در زیر پرویز نقش کرد، پرویز از دیدن شبدیز در این تصویر بسیار گریست و به مرگ خود فکر کرد. گویند این تصویر از شگفتی‌های دنیا است. صورتگران بعد از او هر چند بسیار در این هنر ماهر باشند، از ریزه‌کاری‌های آن در مانده‌اند؛ حتی بعضی گفته‌اند این تصویر کار بشر نیست. شگفت اینجاست که صورتگر در این نقش هر رنگی را جداگانه به تناسب در جای خود به کار برده است. ظرف سالیان دراز هیچ رنگی از این رنگ‌ها ابتدا رنگ نیاخته و گویی هنوز نو هستند.»^{۲۰}

از لابه‌لای گفته‌های قزوینی یکی دو نکته، قابل توجه است: ۱- همان‌گونه که یاد شد، وی از بیستون نام می‌برد، در حالی که به توصیف حجاری‌های تاق بستان می‌پردازد؛ ۲- وی این پیکرتراشی‌ها را به پطرس پسر سمنار که معماری رومی بوده است، نسبت می‌دهد؛ بعدها نیز نظریاتی در مورد نفوذ هنر یونانی، بیزانسی و رومی در کنده‌کاری‌های تاق بستان مطرح گردید.^{۲۱}

۵- حمدالله مستوفی قزوینی: جغرافی‌دان ایرانی، کتاب معروف خود نزهة القلوب را در سال ۷۴۰ ق. (۷۱۸ ش) به رشته تحریر درآورد. شرح آثار باستانی تاق بستان را از کتاب وی می‌خوانیم:

«صفة شبدیز در آن حدود است و خسرو پرویز ساخته و در صحرائ آن باغ انداخته، دو فرسنگ در دو فرسنگ. وسطام دیهی بزرگ است، محاذی صفة شبدیز؛ هوای معتدل دارد و آبش از رود کولکو است که از کوه بیستون و حوالیش برمی‌خیزد. صفة شبدیز که صورت خسرو و شیرین بر آنجاست و در سنگ تراشیده‌اند، بر دست راست به یک فرسنگی این رحله [کرمانشاهان] است و دو چشمه آب که آسیا بگرداند، از زیر صفة شبدیز بیرون می‌آید.»^{۲۲}

در لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه کولکو، بی‌هیچ توضیحی همین شاهد مثال آورده شده است. در فرهنگ جغرافیایی کرمانشاه در مورد رودی که از بیستون می‌گذرد، چنین آمده است: «رودخانه دینور آب که از چهار شاخه

۷- دکتر ویلز: اهل انگلستان که در سال ۱۸۷۶ م (۱۲۹۳ هـ. ق) در کرمانشاه به سر برده و در کشیدن تلگراف به این شهر فعالیت داشته است. حجاری‌های بیستون و تاق بستان را چنین وصف می‌کند:

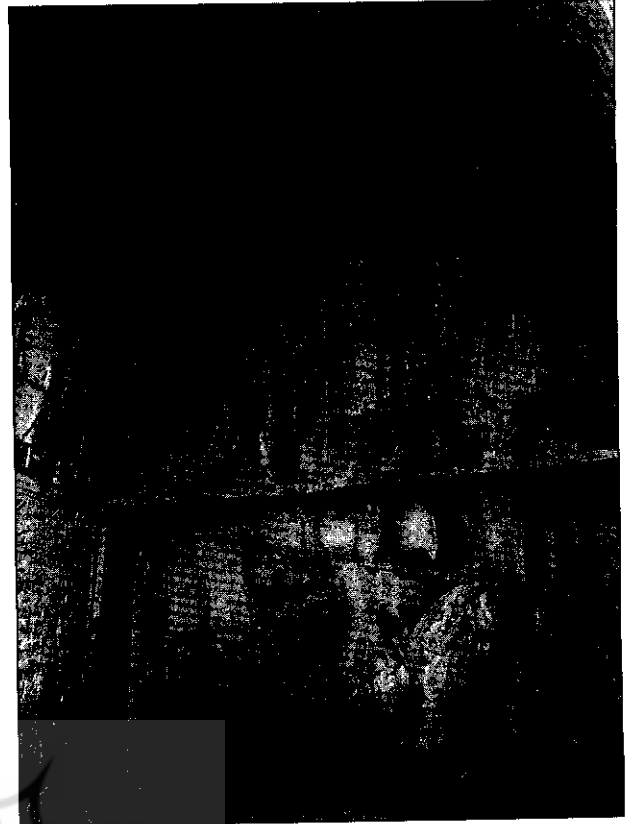
الف - وصف بیستون: «محلی تاریخی که بر صفحه‌ای وسیع از سنگ‌های ستیغ و دیواره عمودی کوه آن، سنگ نوشته‌هایی به خط میخی به چشم می‌خورد. هیكل عظیم و برافراشته این کوه از کیلومترها دورتر، ابهت و عظمت بخصوصی دارد که سنگ نوشته‌های آن به وسیله شرق‌شناسی به نام سرهنری راولیسون ترجمه شده است. می‌گویند روزی سرهنری، دستور ساختن چوب بستنی مرتفع از پایین تا مقابل کتیبه داد و با خیال راحت بر بالای این چوب بست رفت؛ ناگهان پایش غلتید و به طرف پایین برگشت که یکی از همکاران کرمانشاهی مسلمان و صدیقش به نام حاجی خلیل محکم به بازویش چسبید و او را از سقوط و مرگ حتمی نجات داد. سرهنری هم در آن زمان، حاجی خلیل را به عنوان نماینده سیاسی انگلیس در کرمانشاه منصوب نمود. هنوز هم بعد از او پسرش «آق‌احسن» سمت نمایندگی انگلیس را در کرمانشاه به عهده دارد.»^{۲۵}

وصف تاق بستان: «عمادالدوله از ما دعوت کرد تا به بازدید از قصر در حال ساختمان و خاتمه نیافته‌اش برویم. به طوری که بعدها اطلاع پیدا کردم بنای این قصر باشکوه تا حدود ده سال پس از خروج من از کرمانشاه به طول انجامید و به قصر «عمادیه» معروف گشت. محل عمادیه واقع در دامنه پرتگاهی است که دارای غاری یا تاق هلالی با مجسمه سواری عظیم الجثه، مجهز به نیزه و دیگر سلاح‌های ایران باستان می‌باشد که ارتفاع آن به حدود هفت متری می‌رسد که در حال حاضر از مجسمه سوار نیزه به دست و اسبش جز پیکری شکسته چیز دیگری به جای نمانده، با این وجود هنوز هم دو مجسمه دیگر در انتهای تاق به چشم می‌خورد. در بالای سردر ورودی به داخل تاق که تشکیل ایوانکی بلاگیر و خنک داده، پیکره دو فرشته زیبا با بال‌های گسترده، بر پهنه سنگی صاف حکاکی شده است. آن طور که به خاطر دارم گویا هر یک از این فرشتگان سه تازی ظریف در میان پنجه‌های خویش دارند. از قرار معلوم، پیکره این فرشته‌ها به سبک مجسمه‌های رومی تراشیده شده است.»^{۲۶}

حاج آقا حسن یا محمدحسن وکیل‌الدوله، اصلاً از اعراب بود که به ایران مهاجرت کرد و در کرمانشاه ساکن شد. همان‌گونه که ذکر شد، پدر وی، حاج خلیل پس از نجات جان سرهنری راولیسون به عنوان نماینده انگلستان در کرمانشاه منصوب شد. بعدها خود حاج آقا حسن همین عنوان را دارا گردید و حتی نشان «سن میشل» و لقب «بهادر خانی» را از طرف دولت انگلیس دریافت کرد. در سال‌های بعد، حاج آقا حسن، دارای ثروت فراوانی شد به نحوی که صد قریه برای خود خرید، شش کاروانسرا ساخت و باغ و امارت دلگشا متعلق به محمدعلی میرزا (دولت‌شاه) را خریداری کرد. بعدها چکسن، جهانگرد آمریکایی، از قصر عمادیه با عنوان «قصر وکیل‌الدوله» یاد کرد.^{۲۷}

۸- هنری یاندر: سیاح فرانسوی است که در اواخر پادشاهی ناصرالدین شاه در کرمانشاه به سر می‌برده و چنین از تاق بستان یاد کرده است: «در ساحل رودخانه [قره‌سو] قصری مجلل توسط حاکم کرمانشاه عمادالدوله ساخته شده اسم آن را «عمادیه» گذاشته است. از این قصر یک جاده بسیار خوب درشکه‌رو از کنار روستای شاه‌آباد تا پای کوه تاق بستان کشیده شده که احداث آن نیز مدیون عمادالدوله می‌باشد. از کنار استخری که در مقابل کوه قرار گرفته، غارها و حجاری‌هایی مشاهده می‌شود. یک سرستون یونانی و مجسمه نیم‌تنه مردی شکسته در هر طرف نیمکتی سنگی بر روی زمین افتاده است.»^{۲۸}

۹- چکسن: او جهانگردی آمریکایی است که در آوریل ۱۹۰۳ م / ۱۳۲۱ هـ. ق / ۱۲۸۳ هـ. ش در کرمانشاه به سر می‌برده است. وی که با دیدن مناظر زیبای تاق بستان و قصر وکیل‌الدوله (عمادیه سابق) به یاد ویلاهای



داریوش، کتیبه‌ای به زبان پارسی باستان و خط میخی هخامنشی، کتیبه‌ای به زبان بابلی و خط میخی بابلی و کتیبه‌ای دیگر به زبان و خط عیلامی نوشته است. از این کتیبه‌ها، اطلاعاتی درباره شرح فتوحات داریوش و نواحی بیست و سه گانه‌ای که بر آنها حکومت می‌کرد، واقعه کشته شدن بردیا به دست کمبوجیه و اطلاعات دیگر به دست می‌آید

تشکیل می‌شود، از مرتفعات شمال صحنه، سنقرکلیایی و روستاهای کندوله و سرتخت سرچشمه گرفته، از کنار آبادی گذشته و پس از پیوستن به رودخانه گاماسیاب از خاور و جنوب آبادی [بیستون] می‌گذرد.»^{۲۹}

۶- ژان باتیست تاورنیه: جهانگرد فرانسوی که در فاصله سال‌های ۱۶۶۳ تا ۱۶۶۸ م (۱۰۷۴ تا ۱۰۷۹ هـ. ق) نه بار به ایران سفر کرد، در شرح یکی از سفرهای خود، بی‌آنکه نامی از بیستون ببرد، به توصیف عظمت حجاری‌های آن می‌پردازد: «این کوه مثل دیوار است و پرتگاهی خطرناک است. تا اندازه‌ای که چشم کار می‌کند، در بالای آن صورت‌های متعدد و بزرگ از اشخاصی که به لباس کشیش ملبس و مجمرهای بخوردان در دست دارند، بدون اینکه شخصی بتواند درباره آن فکر کند یا اهالی آنجا بتوانند بگویند چطور و چرا آن صورت‌ها در آنجا حجاری شده‌اند، دیده می‌شود.»^{۳۰}

نکته جالب این است که تاورنیه، بی‌ذکر نام، از شهری در فاصله یک روزه از بیستون، یاد می‌کند و مترجم کتاب، حدس زده که منظور وی، شهر کرمانشاه است.^{۳۱}

ایتالیا می‌افتد، وصف کاملی از تاق بستان به دست می‌دهد: «تاق بستان در سیزده قرن پیش از باغ‌های معروف ساسانیان بود و اکنون نیز به خاطر حجاری‌هایش معروف است. راه ما از میان دشت موجداری می‌گذرد که از شمال محدود است به رشته کوه «پرو» که از بیستون تا تاق بستان کشیده شده است و از جنوب به برآمدگی‌های بزرگی از کرمانشاه تا لرستان ممتد می‌باشد. این قسمت از خاک ایران، یکی از غنی‌ترین چراگاه‌های کشور را تشکیل می‌دهد.

همین که آفتاب برآمد کاروان کوچکی که من با آن سفر کردم بر شتاب افزود. هنوز ساعت ده نشده بود که به تاق بستان رسیدیم و با این طی مسافت به صحنه‌های حوادثی قدم گذاشتیم که به هزار سال بعد از صحنه‌های حوادث تاریخی هخامنشیان در بیستون تعلق داشت. نقش‌ها و کتیبه‌های داریوش و حجاری‌های گودرز پادشاه پارت، جای خود را به نقوش برجسته‌ای داد که شهریاران ساسانی کنده بودند.

تاق بستان در حدود پنج، شش کیلومتری شمال شرقی کرمانشاه واقع است و اکنون قسمتی از املاک یکی از مالکان بزرگ ایران مرحوم حاج آقا حسن وکیل‌الدوله، نماینده و عامل دولت بریتانیا در کرمانشاه را تشکیل می‌دهد. اهالی بدانجا به عنوان تفرجگاه می‌نگرند. نام تاق بستان که اغلب با تلفظ طاق بستان به گوش می‌رسد و روستاییان با لهجه خاص خود تلفظ آن را طو-او-ستان *Taw-ov-stan* ادا می‌کنند، به خاطر تو رفتگی‌ها یا تاق نماهایی که در دامنه کوه کنده شده به این محوطه داده شده است. آنجا را گاهی نیز «تخت بستان» می‌خوانند؛ ظاهراً این تسمیه به خاطر صفحه سنگی است که در بالای تاق‌ها کنده شده است. در روزگاران پیشین مردم آن را گاه به نام مجسمه اسب خسرو پرویز، شبذیز و گاه به نام محبوب زیباروی خسرو، قصر شیرین می‌خوانده‌اند.^{۱۰}

همان‌گونه که دیدیم، جکسن تلفظ واژه تاق بستان را از زبان روستاییان و نیز نام‌های قدیمی این امکان را ضبط کرده است.

۱۰- گروه: وی سیاح آلمانی است که در اوت ۱۹۰۷ م / ۱۳۲۵ هـ. ق / ۱۲۸۵ هـ. ش در کرمانشاه می‌زیسته است. وی با دیدن زیبایی‌های تاق بستان، چشم‌اندازهای زیبای مجمع‌الجزایر یونان را به خاطر آورده است: الف - وصف بیستون: «در انتهای دشت، کوه بیستون با چهار هزار متر ارتفاع و با صخره‌ها و پرتگاه‌های فراوانش، مانند دیوار سنگی عظیمی قد برافراشته است. کرمانشاه بر دامنه یکی از شاخه‌های کوهی که در سمت جنوبش قرار دارد، بنا گردیده است.»^{۱۱}

وی همچنین به نقل از کارل ریتو، جغرافی‌دان شهیر آلمانی می‌نویسد که ایزیدور خاراکس، یکی از مورخان یونانی، از بیستون با عنوان «بابنتا» یاد کرده است.^{۱۲}

وصف تاق بستان: «وقتی با اسب به طرف حجاری‌های تاق بستان که یادگار دوران ساسانیان است پیش می‌روییم، هوا تیره و مه آلود است. در اطراف جاده، اینجا و آنجا، کشتزارهای خشخاش پوشیده از گرزهای سبزرنگ دیده می‌شود. هرچه به رودخانه قره‌سو نزدیک‌تر می‌شویم به کشتزارهای گندم و جو افزوده می‌شود. پس از راهپیمایی در زیر درختان پرشاخ و برگ، به تاق بستان می‌رسیم. نخست ساختمان دوطبقه‌ای نمودار می‌گردد. یکی از ملاکین بزرگ ایران به نام حاج آقا حسن وکیل‌الدوله، ده سال پیش، این ساختمان بیلاقی را بنا کرده است. کمی بعد، بیدستان انبوهی نمایان می‌گردد و پشت درختان بید، برکه بزرگی چون آینه می‌درخشد. یک نویسنده هندی به نام عبدالکریم که در قرن هجدهم در راه زیارت مکه از اینجا گذشته، مجسمه‌های تاق بستان را با زیباترین مجسمه‌های معبدلاهور برابر می‌داند.»^{۱۳}

نویسنده مدعی شده که حاج آقا حسن وکیل‌الدوله، ساختمان دوطبقه تاق بستان را بنا کرده، در صورتی که قبلاً معلوم گردید که وی آن را

خریداری کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- «تاق»، واژه‌ای فارسی است که «طاق»، معرب آن است؛ بنابراین نگارش آن به صورت تاق درست است.
- ۲- معین، محمد: فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۱۰؛ بیگلری، هرمز: گذری بر تاریخ باختران (کرمانشاه)، کاشفی، کرمانشاه، ۱۳۶۷؛ ج ۱، صص ۴۲-۴۳
- ۳- همان، جلد ۱، ص ۴۱؛ هوار، کلمان: ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۱۷.
- ۴- گذری بر تاریخ باختران (کرمانشاه)، ج ۱، ص ۵۲.
- ۵- همان، ص ۵۴.
- ۶- همان، ص ۵۸.
- ۷- همان، صص ۷۸-۷۹.
- ۸- همان، صص ۷۱-۷۶، فرهنگ فارسی، ج ۵، صص ۱۰۶۰-۱۰۶۱.
- ۹- ویلز: ایران در یک قرن پیش، سفرنامه دکتر ویلز، ترجمه غلامحسین قراگزلو، اقبال، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۵۶.
- ۱۰- بایندر، هنری: سفرنامه هنری بایندر (کردستان، بین النهرین و ایران)، ترجمه کرامت الله افسری، فرهنگسرا (یساولی)، تهران، ۱۳۷۰، ص ۴۱۱.
- ۱۱- معرب کرمانشاهان
- ۱۲- ابن خردادبه: المسالك و الممالک، ترجمه حسین قره‌چانلو، از روی متن تصحیح شده دخویه، ناشر: مترجم، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۸.
- ۱۳- ابوالقاسم محمدبن حوقل: سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورۃ الارض)، ترجمه و توضیح: جعفر شعار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶، صص ۱۰۲-۱۰۳.
- ۱۴- همان، ص ۱۱۵.
- ۱۵- همان، ص ۱۱۶.
- ۱۶- مقاله حاضر، بخش آثار اشکانی بیستون.
- ۱۷- ابوعبدالله محمدبن احمد بن مقدسی: احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه: علی‌نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۹۵.
- ۱۸- همان، ص ۵۹۳.
- ۱۹- زکریا بن محمدبن محمود قزوینی: آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هزار)، مؤسسه علمی اندیشه جوان، تهران، ۱۳۶۶، صص ۱۱۷-۱۱۸.
- ۲۰- به عنوان مثال ن ک به: ایران و تمدن ایرانی، ص ۲۱۷.
- ۲۱- حمدالله مستوفی قزوینی: نزهة القلوب، المقالة الثالثة در صفت بلدان و ولايات و بقاع، ترجمه: گای لیسترانج، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸.
- ۲۲- فرهنگ جغرافیایی کرمانشاه، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۴، ج ۴۶، ص ۸۴.
- ۲۳ و ۲۴ - تاورنیه، ژان باتیست: سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید اصفهان، تهران و اصفهان، بی‌تا، ص ۲۹۰.
- ۲۵- ایران در یک قرن پیش، صص ۱۴۶-۱۴۷.
- ۲۶- همان، صص ۱۵۶-۱۵۷.
- ۲۷- تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار، ج ۲ و ۳، صص ۲۰۸-۲۱۰ و جکسن، ابراهیم و ویلیامز: سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۲۴۸.
- ۲۸- سفرنامه بایندر، صص ۴۱۰-۴۱۲.
- ۲۹- سفرنامه جکسن، صص ۲۴۷-۲۴۹.
- ۳۰- گروه، هوگو: سفرنامه گروه، ترجمه مجید جلیلود، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۹، ص ۸۲.
- ۳۱- همان، ص ۹۳.
- ۳۲- همان، صص ۱۰۰-۱۰۸.